

بسم الله الرحمن الرحيم

روابط با بیگانه‌گان تنها جنایت نبوده؛ بلکه هزینه هم دارد!

(ترجمه)

دولت‌ها برای تأمین منافع خود همواره به دنبال گسترش تسلط و نفوذ بر مناطق فراتر از مرزهای خود هستند؛ چه این نفوذ منطقه‌ای باشد و یا بین‌المللی. گاهی از طریق زور و گاهی از طریق سیاست برآورده می‌شود. گاهی نیز برای رسیدن به این اهداف به ایجاد روابط دوستانه و به انعقاد برخی از پیمان‌ها می‌پردازند. دشمنان خویش را کاهش داده و در میان صفوف‌شان تفرقه‌اندازی می‌کنند و در مواجهه با دشمنان خویش باهم در یک جبهه قرار می‌گیرند. این دولت‌ها برای رسیدن به اهداف‌شان نیاز به برخی از مهره‌ها و هوادارانی دارند که حتی گاهی به درجه‌ی مزدور صعود می‌کنند.

اصل در روابط بین‌المللی، روابط بین دولت‌ها می‌باشد. دولت تنها ارگانی است که نماینده‌ی جمعیت‌های تابع خود بوده، از هرگونه ارتباط سیاسی افراد و جمعیت‌ها با هر دولت دیگری جلوگیری می‌کند. اگر چنین ارتباطی وجود داشت به سوی آن با دید سوء ظن و اتهام می‌نگرند؛ زیرا چنین ارتباطی بنیاد دولت را به خطر مواجه کرده، ثبات، امنیت و وحدت آن را تهدید می‌کند.

مشخص است که دولت‌ها هنگامی که به سیاست‌های خارجی پرداخته و روابط خویش را با سایر دولت‌ها مدیریت می‌کنند، روابط عمومی، مجامله‌گری و فعالیت‌های خیریه را کنار می‌گذارند؛ بلکه مبنای تمام روابط‌شان تأمین منافع‌شان بوده و به قدر تأمین منافع خویش با طرف مقابل خود ارتباط برقرار می‌کنند.

روابط افراد و جمعیت‌ها با دولت‌های بیگانه بیرون از چهارچوب دولت دروازه‌گسترده‌ی از فتنه‌ها را به روی مردم باز گذاشته و بسیاری از جوامع را در معرض فروپاشی قرار می‌دهد. در عین حال بسیاری از دولت‌ها را سرنگون کرده و زمینه‌ی استعمارشان را فراهم می‌کند. چنانچه خود شما نمونه‌هایی بسیاری از این موارد را در سراسر جغرافیا و تاریخ جهانی، شاهد می‌باشید. همان‌گونه امت اسلامی و یا دولت اسلامی نیز از این‌گونه فتنه‌ها به دور نبوده و نیست. بزرگ‌ترین گواه آن حادثه‌ی دردناک و فاجعه‌ی بزرگ سرنگونی خلافت اسلامی در سال ۱۹۲۴ میلادی می‌باشد. حادثه‌ی که پیامد طبیعی یک سری از روابط و ارتباطات مشکوک افراد و جمعیت‌هایی از فرزندان این امت با غرب بود. طوری که از طریق این افراد و جمعیت‌ها افکار و مفاهیمی در میان امت ترویج شد که منجر به نابودی اسلام در دل‌های فرزندان امت شد. تااین‌که در نتیجه این افکار و مفاهیم، نظام حکومتی اسلام، بنیاد دولت آن و وحدت امت را هدف قرار داده و به سرعت منجر به سرنگونی دولت و تقسیم سرزمین‌های اسلامی شد. توافق‌نامه‌ی ننگین سایکس پیکو، که اثرات آن تاکنون محسوس است، انجام شد. سرزمین‌های اسلامی مملو از حکام مزدوری برای غرب شد، مزدورانی که حداقل چیزی که میتوان به آن‌ها نسبت داد این است که در سرزمین‌های مان نگهبانان غرب شدند. کسانی که به راستی مصداق این فرموده‌ی پیامبر راست‌گو می‌باشند:

«سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ سَنَوَاتٌ خَدَاعَاتٌ، يُصَدِّقُ فِيهَا الْكَاذِبُ، وَيُكذِّبُ فِيهَا الصَّادِقُ، وَيُؤْتَمَنُ فِيهَا الْخَائِنُ، وَيُخَوَّنُ فِيهَا الْأَمِينُ، وَيَنْطِقُ فِيهَا الرُّوَيْبِضَةُ» قِيلَ: وَمَا الرُّوَيْبِضَةُ؟ قَالَ: «الرَّجُلُ النَّافَهُ يَتَكَلَّمُ فِي أَمْرِ الْعَامَّةِ»

ترجمه: به زودی بر مردم سالیانی فریبنده خواهد آمد که دروغ گو در آن تصدیق می شود و راست گو تکذیب می گردد. خائن امانت دار محسوب شده و بر امین خیانت می شود و روئبضه سخن خواهد گفت. گفته شد: روئبضه چیست؟ فرمود: مردی نابخردی که در مسائل امت سخن می گوید.

استعمار برای حفظ منافع و اجرای برنامه های خود، مشتاق به ایجاد فضای سیاسی، رسانه ای و فرهنگی بوده که به سان آئینه ای منعکس کننده ی همه ای آن چه باشد که در غرب وجود دارد؛ حتی از لحاظ تغذیه، نوشیدنی، لباس و مدل موها. تا این که با یک روش فراگیر از ایستادن دوباره ی امت بر روی پاهایش جلوگیری نموده و نگذارد که امت دوباره به جایگاه خویش برگشته، هویت اش را پیدا و دولت خود را بر اساس عقیده ی خویش بناء و نقش متمدنانه ی خود را در قبال بشریت، مبتنی بر اسلام انجام دهد.

برای این که بیش از این طفره نرفته و بحث را دو چندان نکرده باشیم، ما به قضایای امت با تمام انواع مختلف و با تمام تفصیلات آن منحیث یک قضیه واحد می نگریم. مشکل امت و تمام مصیبت های سرازیر شده بر آن، در نبود اسلام به صحنه ی قدرت، خلاصه می شود و علاج آن را نیز از همین آدرس باید سراغ گرفت. از بین رفتن سرزمین مبارک فلسطین برجسته ترین قضایای امت بوده که پیامد حتمی نبود دولت اسلامی می باشد. این قضیه نمونه ی بارز مصیبت ها و بلاهای است که از ارتباط با بیگانه گان برای امت ایجاد گردیده و مشکلات جدی بی را تا امروز به همراه دارد. قضیه فلسطین اکنون روی دست تعدادی از مهره ها و مزدورانی قرار دارد که راه حل آن را در پروژه ها، فعالیت ها و معاملات قدرت های جنایت کار بین المللی پیگیری می کنند. با فریب، دروغ و کلاه برداری آن را عالی ترین راه حل و بزرگ ترین پیروزی، عنوان نموده و در برابر جفاهای شان در این راه کوه های از قربانی را فدا کرده و رودخانه های از خون را، راه اندازی می کنند؛ طوری که در نتیجه، مزدوران قهرمان قلم داد شده و تبدیل به رهبر می شوند.

پس از تأسیس نهاد یهودی در سرزمین مبارک فلسطین، قدرت های بین المللی استعماری به دنبال ایجاد شخصیت ها، هیئت ها و جمعیت های شدند که بتوانند همراه با آنان در تثبیت و مشروعیت یهود کار کنند؛ طوری که این نهاد را به یک عنصر طبیعی منطقه ای تبدیل کنند؛ تا این که غرب هم کاران اش را در سازمان آزادی بخش فلسطین پیدا کند. سازمانی که موجودیت یهود را به رسمیت شناخته و آن را در دو سوم سرزمین فلسطین مستحق بداند و با این نهاد یهودی از طریق واسطه گران بین المللی توافق نامه های حقارت آمیزی را برای حمایت از موجودیت یهود و حفظ امنیت آن امضا کند. با انکار واضح و روشن از هویت اسلامی، این قضیه و ارتباط امت به فلسطین، نقش امت در آزادی آن و حل قضیه فلسطین را تحت نام "مشروعیت بین المللی" و قطع نامه های سازمان ملل، بر تصمیمات دولت های استعماری موکول کردند.

از آن جاکه این قدرت‌های استعماری بین‌المللی در حوزه‌ی سیاست‌گذاری‌های خویش، طبعاً به این مزدوران اهمیت چندانی قایل نمی‌شوند، آن‌ها صرفاً نقش اجرایی دارند، ما دیدیم که چگونه در خصوص "راه حل دولت واحد" به رهبری انگلیس، به "راه حل دو دولت" که بیش‌تر از ۶۰ سال است اجرا و رهبری آن را امریکاعهده دار است، دیدگاه بین‌المللی تغییر کرد. برای تغییرات حاد در ساختار راه حل کنونی دولت فعلی آمریکا به رهبری ترامپ، کسی که سیاست‌گذاری‌های آن با ذهنیت یک تاجر/بازرگان فاجر و بدکار و بر اسلوب زورگویی مبتنی می‌باشد، ما دیدیم که او و دولت‌اش برای حل و فصل قضیه فلسطین، راه حل مورد نظر خویش را برای پایان دادن به درگیری‌ها با یهود، بدون در نظرگیری امت، علیه آن‌ها معامله‌ی خویش را تحمیل کردند. ما هم‌چنین دیدیم که حکام مزدور چگونه ابزار اجرای این دیدگاه امریکایی بودند. اما آن‌چه که از برخی موقوف‌ها بر می‌آید، گمان می‌رود که این موقوف‌ها برای رد و اعتراض اتخاذ می‌شود؛ درحالی‌که این چنین موقوف‌ها در واقعیت هیاهوهای فحواپی بیش نیست. به ویژه موقوف‌های تشکیلات خودگردان فلسطین و تصمیمات اخیر آن‌ها مبنی بر تعلیق توافق‌نامه‌های امضا شده با یهودیان.

از جمله ارتباط با انحرافات و خطرات ناشی از ارتباط با بیگانه‌گان، دیدار ۲۰۱۹/۷/۱۷م هیئت حماس از روسیه جنایت‌کار که در همه‌جا دشمن اسلام و مسلمانان است، می‌باشد. قبل از آن سفر هیئت جهاد اسلامی و هم‌چنین اعلامیه صادرشده مسکو درخصوص نشست گروه‌ها/جناح‌ها در مسکو، برای گفت‌وگو درمورد پرونده‌ی آشتی ماه فبروری گذشته... ولو که نشست و اعلامیه صادره از آن، خالی از هرگونه محتوا باشد، بازهم جنایت ارتباط با بیگانه‌گان و دشمنان امت، انداختن قضایای آن بر روی میزهای گرد پلید آن‌ها، در حال خود باقی می‌ماند. درحالی‌که بازدید هیئت حماس از حد یک ارتباط فراتر رفته است. این جنبش رنج مسلمانان چچن و مسلمانان ساحات دیگر را که از جنایات روسیه رنج می‌برند، نادیده گرفته است؛ مخصوصاً جنایاتی را که روسیه در حق مردم شام روا داشته است. نیروی روسی خانه‌ها و مساجدشان را ویران و قتل عام‌شان نموده است. حتی برخی این بازدید را دروازه‌ی برای بهبود روابط با نظام جنایت‌کار بشار، تعبیر می‌کنند. آن‌چه که قلب انسان را خون می‌کند این است که این جنبش به زبان معاون رئیس خود موسی ابو مرزوق، چنین اظهار می‌دارد که: "روسیه می‌تواند از سیطره‌ی امریکا بر جهان بکاهد، چیزی را که در خاورمیانه انجام داد." مشخص است منظور آن جنایات و اعمال تروریستی‌یی می‌باشد که روسیه در حق مسلمانان سوریه انجام داده است. چیزی را که جناب ابومرزوق، یک تجربه‌ی خوب برای متوقف کردن غول‌گری‌های آمریکا عنوان می‌کند، راهی برای ایجاد تعادل بین‌المللی‌یی می‌داند که برای حل و فصل قضیه فلسطین مفید است!

تمام جناح‌ها؛ به‌ویژه جناح‌هایی که زیر چتر سازمان آزادی‌بخش فلسطینی فعالیت می‌کنند، شعار اسلام را سر داده؛ طوری وانمود می‌کنند که گویا با تلاش‌های فوری‌شان از فروپاشیدگی و رانش جلوگیری نموده، به سمت قدرت‌های بین‌المللی در جریان بوده و با پروژه‌های‌شان راه حل قضیه فلسطین را شناخته و آن را از مکر حيله‌گران محافظت می‌کنند. درحالی‌که به سمت درخواست قدرت‌های جنایت‌کاری که هر لحظه‌ی از تاریخ امت، بر دشمنی آنان با اسلام و مسلمانان شهادت می‌دهد، لبیک گفته و از دیگران سبقت می‌گیرند. متأسفانه این چه سرنگونی و چه انحرافی‌ست!؟

در خاتمه؛ آن‌چه که باید در ذهن ما طنین انداز باشد، این است که هرگونه ارتباط با بیگانه‌گان انتحار سیاسی می‌باشد. لذا باید نسل‌های‌مان را بر مبنای آن تربیه کرد. این که در هر نوع شرط بندی در خصوص روابط با دولت‌های استعماری درجریان

بازی‌های که بالای رینگ نمایش می‌دهند، تنها بازنده امت اسلامی می‌باشد و بس. تمامی کفار دشمنان امت اسلامی بوده و در دشمنی خود با امت یکسان می‌باشند. هرگاه اگر فرزندان امت در معرض اغواگری و سوء استفاده‌ی استعمار قرار می‌گیرد، باید موقفی را به سان موقف صحابی بزرگوار - کعب ابن مالک- از خود نشان دهند. هنگامی که پادشاه غصاصنه از کعب رضی الله عنه خواست که بر رسول الله صلی الله علیه وسلم پشت کرده و با او هم‌پیمان شود، آن صحابی در پاسخ به آن، نامه‌اش را به آتش زد. باید چنین موقفی هم از لحاظ سیاسی و هم از لحاظ حزبی الگویی هر مسلمان باشد.

نویسنده: استاد خالد سعید

عضو دفتر مطبوعاتی حزب التحریر-سرزمین مبارک فلسطین

۱۳ ذی الحجہ ۱۴۴۰ھ.ق

۱۴ اگست ۲۰۱۹م

مترجم: علی مطمئن